

عنوان مقاله:

مولوی، شخصیت پردازی کاهل بررسی چهار داستان عاشقانه مثنوی معنوی

محل انتشار:

سومین همایش متن پژوهی ادبی (نگاهی تازه به آثار مولانا) (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسندگان:

نگین کیخا - کارشناس ارشد زبان و ادبیا فارسی

مسعود هوشیار - کارشناسی ارشد زبان و ادبیا فارسی

خلاصه مقاله:

جلال الدین محمد مولوی در کتاب مثنوی معنوی برای تبیین مفاهیم عرفانی مد نظرشاز داستان های مختلفی استفاده می کند. وی در اینباره از هر نوع داستانی بهره می گیرد تا دستگاه اندیشگانی اش را برای مریدان تبیین کند. دراین میان داستان های عاشقانه یکی از انواع داستان هایی ست که برای تبیین دغدغه هایش بر کار می گیرد. از دیدساختاری یکی از عناصر مهم روایت داستان شخصی پردازیست. در پژوهش پیش رونشان داده ایم که مولوی توجه چندانی به این مقوله نشان نمی دهد. در نتیجه شخصیت هایی را که می آفریند اغلب ساده و بی اهمیت هستند و مخاطب از جزییات ظاهری و درونی آنها آگاه نمی شود. در واقع مولوی توجه چندانی بر فرم و ساختار داستان پردازی ندارد؛ بلکه بیشتر برای محتوای داستان و بازتاب اندیشه خود اهمیت قایل است. به همین دلیل، خواننده مثنوی در سلوک رفتار داستانی مولوی با شخصیت های به کارگرفته او در داستان چندان آشنا نمی شود. در واقع یافته های ما نشان می دهد که مولوی شخصیت افرین نیست، به همین دلیل تلاش چندانی برای افرینش شخصیت نمی کند. نمونه همین بی تلاشی، در داستان عاشقانه از کاربست شخصیت های معروف و از پیش آماده ای مانند لیلی و مجنون استفاده می کند تا به کمک پیشینه فرهنگی آنها نیازی به تلاش برای شخصیت پردازی نداشته باشد و بتواند به سرعت پیام نظری داستانش را بازتاب دهد.

کلمات کلیدی:

شخصی پردازی مولوی، مثنوی معنوی، داستان عاشقانه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/639804>

